

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال نهم، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۶

## تحلیل معناشناسی پیش‌وند «پیش-» در زبان فارسی: رویکرد زبان‌شناسی شناختی<sup>۱</sup>

آزیتا افراشی<sup>۲</sup>

فاطمه کوشکی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۷

تاریخ تصویب: ۹۵/۰۹/۴

### چکیده

یکی از مفاهیم اصلی در رویکرد زبان‌شناسی شناختی، این است که هر واحد زبانی شبکه‌ای از معانی است. لانگاکر (Langacker, 1991) معتقد است که «تکواژ، مقولات، و ساخت‌های دستوری همگی صورتی از واحدهای نمادین دارند»، از این نظر وندها نیز معنای خاص خود را دارند که آن معنا را به پایه میزبان می‌افزایند و در نهایت معنای مشتق شکل می‌گیرد. یک پیش‌وند، همانند مقولات واژگانی، مقوله‌ای را تشکیل می‌دهد که همه معانی خود را که حول یک معنای مرکزی گرد آمده‌اند،

---

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/JLR.2016.4133

<sup>۲</sup> دانشیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ aafraشي@ihcs.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)؛

f.koushki@ihcs.ac.ir

رده‌بندی می‌کند. بنابراین می‌توان گفت مشتقات پیش‌وند «پیش-» نیز مقوله‌ای چندمعنا با یک ساخت درونی نظامند است. در این پژوهش برای تحلیل معناشناختی این پیش‌وند، معانی مشتقات آن را از منظر شناختی به دست آوردیم و در نهایت با مشخص کردن شبکه شعاعی این‌وند، دو خوشه معنایی مرکزی تعیین شد که دیگر معانی از این دو گره معنایی منتج می‌شوند: ترتیب زمانی، ترتیب مکانی. از بین این دو معنی، یکی به‌عنوان معنای اصلی‌وند مذکور است. برای تشخیص این معنای اصلی از معیارهایی که تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) پیشنهاد کرده‌اند، بهره گرفته شد و مشخص شد که مفهوم مکانی این‌وند چندمعنا، به‌عنوان معنای اولیه می‌باشد که دیگر معانی حول این معنای مرکزی قرار می‌گیرند.

## واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، پیش‌وند «پیش-»

چندمعنایی، شبکه شعاعی

### ۱. مقدمه

زبان فارسی از فرایند اشتقاق در ساخت واژه‌های جدید بهره می‌گیرد و این فرایند همانند دیگر فرایندهای واژه‌سازی، در عملکرد خود تعامل نزدیکی با معناشناسی دارد؛ به‌گونه‌ای که پس از عملکرد این فرایند یک فضای معنایی جدیدی شکل می‌گیرد. برای نمونه، وند اشتقاقی «پیش-» با افزوده شدن به یک واژه، با توجه به نوع پایه یا ستاک، معنای جدیدی ایجاد می‌کند. لذا پژوهش حاضر تلاشی است در جهت پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا پیش‌وند «پیش-» دارای معانی متعددی است و اگر این چنین است، این معانی چگونه به یکدیگر مرتبط می‌شوند؟ این پژوهش مبتنی بر چارچوب نظری معناشناسی شناختی که توسط زبان‌شناسانی چون فیلمور (Fillmore, 1977, 1982)، تالمی (Talmy, 1983)، فوکونیه (Faucounier, 1985, 1997)، لیکاف (Lakoff, 1987, 1990)، لانگاکر (Langacker, 1988a, 1997) و ایوانز و تایلر (Evans & Tyler, 2001) و دیگر زبان‌شناسان مطرح شده است، می‌باشد. یک پیش‌وند مقوله‌ای را تشکیل می‌دهد که همه

معانی خود را که حول یک معنای مرکزی گرد آمده‌اند، رده‌بندی می‌کند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و مشتقات حاصل از وندافزایی «پیش» به مقولات دستوری مختلف، از فرهنگ سخن و فرهنگ معین گردآوری گردیده و آن گاه جهت تحلیل دقیق این صورت‌های زبانی تلاش شد که جملاتی نیز به‌عنوان نمونه بافت کاربردی این مشتقات، از پایگاه داده‌های زبان فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (pldb.iics.ir) ارائه شود. سپس داده‌های مزبور طبق مفاهیم شناختی چندمعنایی<sup>۱</sup>، مقوله‌بندی<sup>۲</sup>، طرحواره<sup>۳</sup>، ادغام مفهومی<sup>۴</sup>، رویدادهای حرکتی<sup>۵</sup>، دینامیک نیرو<sup>۶</sup> تجزیه و تحلیل شدند.

## ۲. پیشینه پژوهش

در این بخش به پژوهش‌های ایرانی و غیرایرانی اشاره می‌شود که به چندمعنایی در زمینه وندافزایی و به‌ویژه پیش‌وندافزایی در چارچوب نظریه زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند.

### ۲.۱. پژوهش‌های ایرانی

گلفام و کربلایی صادق (Golfam and Karbalaee-Sadegh, 2016) هدف از پژوهش خود را بررسی ساخت اسم مکان در فارسی از رهگذر وندها و شبه‌وندهای اشتقاقی با مفهوم مکان عنوان کرده‌اند که علی‌رغم شباهت در کارکرد، به‌لحاظ معنایی کاملاً یکسان عمل نمی‌کنند. به همین سبب با بهره‌گیری از سازوکارهای صرف شناختی و دستاوردهای آن، همچون نظریه مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی به بررسی محدودیت‌های معنایی ناظر بر عملکرد چنین پسوندهایی پرداخته و در نهایت شاخص‌های شناختی دخیل در شکل‌گیری آنها را معرفی کرده‌اند.

<sup>1</sup> polysemy

<sup>2</sup> categorization

<sup>3</sup> schema

<sup>4</sup> conceptual blending

<sup>5</sup> motion events

<sup>6</sup> force dynamics

## ۲.۲. پژوهش‌های غیرایرانی

متینگر (Metinger, 1994) برای پیش‌وند منفی ساز -un دو طرحوارهٔ تصویری مقیاس<sup>۱</sup> و ظرف<sup>۲</sup> پیشنهاد کرده است؛ طرحوارهٔ مقیاس برای صفات قطبی مثل unimportant, uncertain و طرحوارهٔ ظرف برای صفات منفی شدهٔ متناقض مانند true در مقابل untrue. پسوند -er به دلیل بسامد رخداد بالا و تنوع معنایی‌اش، توجه تعدادی از زبان‌شناسان شناختی از جمله پانتر و ثورنبرگ (Panther and Thornburg, 2001) را به خود جلب نموده است. این دو زبان‌شناس برای پسوند مزبور شبکهٔ معنایی با تعیین معنای اولیه و معنای حاشیه‌ای ارائه داده‌اند. آکوودو (Acovedo, 2003) به بررسی کارآیی مدل نقشی-واژی (FLM) برای توصیف و تعبیر واحدهای واژگانی وابسته به همراه نگاهی خاص به سازوکارهای شناختی که زیربنای پیش‌وندافزایی مکانی در زبان انگلیسی است، پرداخته است. هماوند (Hamawand, 2009, 2011a, 2011b, 2013) در پژوهش‌هایی متعدد به ترتیب، پیش‌وندهای منفی ساز، مدرج<sup>۳</sup> و مکانی را طبق نظریات مقوله‌بندی، حیطهٔ شناختی و مفهوم‌سازی مورد بررسی قرار داده است. بالازس (Balazs, 2010) به‌طور کلی رفتار پیش‌وندها را از نقطه‌نظر محتوای معنایی در نظریات مختلف و به‌خصوص معنی‌شناسی شناختی مورد توجه قرار داده است. ملینگر (Melinger, 2011) موضوع رسالهٔ دکتری خود را به تحقیق آزمایشگاهی در بازنمودهای مشتقات پیش‌وندی به هدف نمایان‌سازی نحوهٔ تشخیص اطلاعات ساخت‌واژی در واژگان ذهنی، اختصاص داده است. برخی از زبان‌شناسان روسی نیز پیش‌وندهای زبان روسی را در چارچوب نظریهٔ زبان‌شناسی شناختی بررسی کرده‌اند (Mizoe, 2011; Chrotensen, 2011). جاندا (Janda, 2011) از بین ظرفیت‌های شناختی، به مجاز در سطح واژه‌سازی پرداخته است و استدلال می‌کند در بسیاری از موارد روابط معنایی بین ستاک‌ها، وندها و کلمات ایجادشده را می‌توان برحسب مجاز تحلیل نمود و این چنین تحلیلی، طبقه‌بندی بهتر و دقیق‌تر از توصیفات سنتی ارائه می‌دهد.

<sup>1</sup> scale

<sup>2</sup> container

<sup>3</sup> degree prefixes

زبان‌شناس بلغاری تجیزماروف (Tchizmarova, 2006, 2012) شبکه معنایی و معانی پیش‌نمونه و حاشیه‌ای پیش‌وندهای فعلی -nad-, pre- و -por را در زبان بلغاری از منظر زبان‌شناسی شناختی مورد توجه قرار داده است که شبکه‌های معنایی -nad- و -por هر کدام یک معنای مرکزی مشترک دارند که ناشی از مفهوم فضایی مرکزی هر کدام از این وندها، روابط نزدیک بین پیش‌وندها و حروف اضافه و شباهت‌های ساختاری این دو وند است. ساریک (Saric, 2013) پیش‌وند فعلی -na در زبان کرواتی<sup>۱</sup> را تحلیل نموده است و نشان داده که تعداد کمی از مشتقات این وند به یکدیگر مرتبطند و تمرکز عمدتاً بر معنای فضایی این وند بوده است. آبروسیموف (Abrosimova, 2013) پسوندهای -er-, -ee-, -ent/-ant-, -ist را تحلیل نموده و نشان می‌دهد که فرایندهای اشتقاقی پیوندی ناگسستگی با این ایده دارد که زبان پدیده‌ای ذهنی است و بر سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات متمرکز است. هارتمن و هولزل (Hartman and Holzl, 2014) تحلیلی در زمانی و پیکره‌ای از پنج پیش‌وند پرسامد در زبان آلمانی طبق نظریه دینامیک نیرو ارائه داده‌اند.

### ۳. چارچوب نظری

پیش از تحلیل داده‌ها لازم است مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش حاضر در نظریه شناختی به‌دقت تشریح و تبیین گردد، مفاهیمی که مسلماً ما را در درک بهتر ویژگی‌های معنایی فرایند پیش‌وندافزایی و به‌طور خاص وند «پیش» کمک خواهد کرد. از این‌رو در ابتدا نگاهی گذرا خواهیم داشت بر نگرش رویکردهای زبانی مختلف نسبت به واژه‌سازی، آن‌گاه مفاهیم چندمعنایی، مقوله‌بندی، شبکه شعاعی، طرحوارگی، ادغام مفهومی، رویدادهای حرکتی و دینامیک نیرو به تفصیل تشریح خواهد شد. شایسته است اشاره داشته باشیم به‌علت ارائه این مفاهیم در این مقاله، از آنجا که پژوهش حاضر در مورد معانی متعدد «پیش» است لذا توجه به اصطلاحات چندمعنایی، مقوله‌بندی و شبکه شعاعی اجتناب‌ناپذیر است چرا که واضح است این اصطلاحات در مورد معنا و تعدد معنا و نیز نحوه چیدمان معانی در یک تکواژ و واژه کارآمد هستند. طرحوارگی و ادغام مفهومی به‌دلیل این که در روند تبیین معانی دخیلند، از این‌رو در بخش مفاهیم نظری گنجانده

<sup>۱</sup> Croation

شده‌اند. «پیش-» جزو وندهایی است که قبل از ستاک‌های فعلی از جمله افعال حرکتی می‌آید، به همین خاطر ارائه‌ی رویدادهای حرکتی و دینامیک نیروی تالمی در این بخش الزامی به نظر می‌رسد.

### ۳. ۱. ملاحظات معناشناختی فرایندهای واژه‌سازی

#### در رویکردهای زبان‌شناسی مختلف

در روش سنتی طبقه‌بندی محور، کوئیک و دیگران (Quirk et al, 1985) به صورت ساخت‌وازی<sup>۱</sup> توجه داشتند، یعنی یک پایه و وند وجود دارد که وندها به پیش‌وند و پسوند تقسیم می‌شوند. به پیش‌وندافزایی در وندافزایی پرداخته می‌شد اما به محتوای معنایی پیش‌وندها توجهی نمی‌شد. مارچاند (Marchand, 1969) در توصیف ساخت‌گرایی طبقه‌ای<sup>۲</sup> خود، پیش‌وندها را تکواژهای وابسته‌ای می‌داند که به پایه‌ای که هسته محسوب می‌شود، متصل می‌گردد. مارچاند توصیف‌های خود را بر مبنای رویکرد هم‌نشینی واژه‌سازی<sup>۳</sup> بنا می‌نهد که در آن، هم‌نهی‌های واژه‌سازی به‌عنوان سازه‌های دستوری کوتاه‌شده مورد نظرند که هم‌نهی‌ها با یکدیگر رابطه‌ی توصیفی دارند؛ بدین معنا که اولین عنصر توصیف‌کننده‌ی دومین عنصر است. ساخت‌گرایان برای زبان سطوح مجزا قائل بودند. معناشناسی نیز به‌عنوان یک سطح مجزا معرفی می‌شد اما به محتوای معنایی توجه خاصی نداشتند بلکه به ساختار معنایی<sup>۴</sup> می‌پرداختند. در رابطه با پیش‌وندافزایی هم بدون این که به معنا توجهی داشته باشند، ساختار معنایی مشتقات تجزیه و تحلیل می‌شد. این ساختار معنایی بر صورت ساخت‌وازی و ساختار مبتنی بود که به‌عنوان اساسی برای دیدگاه ترکیبی<sup>۵</sup> مسلط در آن زمان به حساب می‌آمد، یعنی معنای صورت پیچیده را از تحلیل اجزای سازنده آن به دست می‌آوردند. رویکردهای معناشناسی صوری<sup>۶</sup> اصل ترکیبی معنایی را به‌عنوان یکی از تفکرات پایه (اصل فرگه‌ای<sup>۷</sup>) به کار می‌برند، هر چند رویکردهای معناشناسی صوری و

<sup>۱</sup> morphological form

<sup>۲</sup> taxonomic structuralist account

<sup>۳</sup> word-formation syntagma approach

<sup>۴</sup> semantic structure

<sup>۵</sup> compositionality analysis

<sup>۶</sup> formal semantics

<sup>۷</sup> Ferege's principle

نیز رویکردهای ساخت‌وازی ساخت‌گرایی تشخیص دادند که این اصل نمی‌تواند تبیینی برای برخی از پدیده‌های زبانی مثلاً اصطلاحات<sup>۱</sup> و آرایه‌های ادبی<sup>۲</sup> باشد. آدامز (Adams, 2001: 12) معتقد است که می‌توانیم کلمه unclean را براساس الگوی آشنای un+adjective بسازیم، در حالی که همین فرایند برای dirty قابل استفاده نیست. آدامز به همراه دیگر نظریه‌پردازان (Matthew, 1974; Jensen, 1990) بر این نظر است که وندهای اشتقاقی عناصری دستوری هستند نه واژگانی. این دیدگاه دستوری به ونداافزایی، در سنت زایشی‌ها<sup>۳</sup> (Aronoff, 1976; Jensen, 1990) مشهود است. اسپنسر (Spencer, 2001: 227) می‌گوید صرف اشتقاقی مقوله نحوی کلمه را تغییر می‌دهد اما هیچ معنایی به آن نمی‌افزاید. آدامز (Adams, 2001: 30) نیز اظهار می‌دارد که وندها صورتهای وابسته‌ای هستند که معنای کلی تری نسبت به عناصر کاملاً دستوری دارند. در مقابل رویکردهای صوری، نقش‌گرایان و شناختیون بر روابط میان صورت و معنا متمرکز می‌باشند. این رویکردها عمدتاً مبتنی بر آثار لانگاکر (Langacker, 1987, 1991) می‌باشد چون لانگاکر در دستور شناختی بین واحدهای واژگانی و دستوری در مفهوم سنتی آن تمایز قائل نمی‌شود و واژه‌سازی را بخشی از یک توصیف یکپارچه قلمداد می‌کند و معتقد است که واحدهای واژه‌سازی را به‌مانند واحدهای واژگانی بسیط می‌توان بسط معنایی داد با این تفاوت که به واحدهای واژگانی، می‌توان واژه و وندها افزود. وی برای بررسی فرایندهای واژه‌سازی از مقوله‌بندی، نما/زمینه<sup>۴</sup> و هم‌سازی<sup>۵</sup> استفاده می‌کند.

### ۳.۲. چند معنایی

واژه «چند معنایی» برای نخستین بار توسط برآل (Bre'al, 1897) در قرن نوزدهم به‌عنوان بخشی از مطالعات تغییر معنایی مطرح شد. استفان اولمان (Stephen Ullmann, 1957[1951]) اشاره می‌دارد این حقیقت که برخی کلمات دارای شبکه‌ای از چند معنای مرتبطند، محور اصلی تحلیل معناشناسی محسوب می‌شود. پنجاه سال پس از اولمان و یک

<sup>1</sup> idioms

<sup>2</sup> figure of speech

<sup>3</sup> generativist

<sup>4</sup> figure/ground

<sup>5</sup> accommodation

قرن بعد از برآل، چندمعنایی دوباره در معناشناسی شناختی مدرن در نوع هم‌زمانی و در زمانی و نیز معناشناسی شناختی و هوش مصنوعی در کانون توجه قرار گرفت (Lewandowska, 2007: 139). امروزه روشن است بررسی چندمعنایی اهمیت خاصی برای هر پژوهش معناشناختی زبان و شناخت دارد. از این رو چندمعنایی را می‌توان به‌مثابه ابزاری ترجیحی برای شبکه نظریات به‌هم مرتبط زبان، معنا و شناخت دانست که در طول قرون ۲۰ و ۲۱ مطرح شد و راهبردهایی برای پژوهش‌های آتی در مورد زبان و شناخت ارائه داده است. با شکوفایی زبان‌شناسی شناختی در دهه ۱۹۸۰، نظریات جدیدی هم در حوزه مردم‌شناسی و روان‌شناسی و مهم‌تر از همه در مورد این که چگونه انسان مقولات را براساس پیش‌نمونه‌ها و شباهت‌های خانوادگی بنا می‌نهد، مطرح شد. برای توصیف چندمعنایی از روش‌های مقوله‌بندی و شبکه شعاعی<sup>۱</sup> بهره گرفته شده است که به‌اختصار به این موارد پرداخته خواهد شد. شایان ذکر است که پژوهش حاضر از شیوه شبکه شعاعی جهت توصیف وند «پیش-» استفاده می‌کند.

### ۳.۲.۱. مقوله‌بندی

لیکاف (Lakoff, 1987: 5-7) بر این باور است که هیچ پدیده‌ای ابتدایی‌تر و ساده‌تر از مقوله‌بندی در ذهن، ادراک، عملکرد و گفتار انسان وجود ندارد. هر مقوله بخشی از نظام مقولات را به خود اختصاص می‌دهد و معنای آن مبتنی بر رابطه‌اش با مقوله‌های مجاور و نیز جایگاهش در نظام مقولات تعیین می‌گردد. بر همین اساس، ساخت مقوله‌های جدید در این نظام را نمی‌توان بدون تأثیرگذاری بر مقوله‌های دیگر در نظر گرفت چرا که زبان همانند یک اکوسیستم عمل می‌نماید که مقولات زبانی هر یک جایگاه خاصی از آن را به خود اختصاص داده‌اند. در معناشناسی شناختی همان‌طور که لیکاف (Lakoff, 1987) و تیلور (Taylor, 1998) نشان داده‌اند، توصیفات زبان‌شناختی بر مبنای نظریه مقوله‌بندی است. طبق این نظریه، اکثر واحدهای واژگانی ماهیتاً از نظر معانی متعدد، چندمعنایی هستند. یک واحد واژگانی شبکه‌ای پیچیده از مفاهیم مرتبط را تشکیل می‌دهند و پیش‌نمونه هم‌عضوی از مقوله است که دارای ویژگی اصلی و مهم آن است؛ بدین معنا که

<sup>۱</sup> radial network



از نظر ترتیب، نخستین مفهومی است که به ذهن فرد متبادر می‌گردد و برجسته‌ترین نمونه مقوله خود محسوب می‌شود. علاوه بر این، عضو پیش نمونه از نظر بسامد وقوع رخداد بالاتری دارد (Taylor, 1998: 52). اعضای دیگر هر مقوله نیز که به اعضای حاشیه‌ای معروفند، دیگر معانی واحد واژگانی مورد نظر محسوب شده که به واسطه بسط معنایی به پیش نمونه مقوله خود مرتبط می‌شوند و جایگاهشان درون مقوله براساس میزان شباهتشان با پیش نمونه تعیین می‌گردد.

### ۳.۲.۲. شبکه شعاعی

بروگمان و لیکاف (Lakoff, 1987; Brugman & Lakoff, 1988) مدل شبکه شعاعی را این گونه شرح می‌دهند که کلمات چند معنا به صورت شعاعی دارای مقولات مرتبط هستند، هر چند که هر کدام از معانی می‌توانند خود یک ساختار پیش نمونه‌ای پیچیده باشند. عضو مرکزی مقوله شعاعی، یک مدل شناختی ایجاد می‌کند که معانی غیر مرکزی را انگیزه می‌کند. معانی خوشه‌ای بسط یافته در حواشی مقوله مرکزی به وسیله پیوندهایی مثل طرحواره‌های تصویری، استعاره، مجاز و جز آن به یکدیگر مرتبط می‌شوند. لیکاف (Lakoff, 1987: 83) اشاره می‌کند مقوله مرکزی یا پیش نمونه پیش‌بینی‌پذیر است، در حالی که اعضای غیر مرکزی نسبت به عضو مرکزی از میزان پیش‌بینی‌پذیری کمتری برخوردارند و تنها از طریق عضو اصلی شناخته می‌شوند؛ بدین معنا که با عضو اصلی شباهت خانوادگی دارند. زبان‌شناسان شناختی در مواردی برای تحلیل معنای حروف اضافه از طرحواره‌های خاصی کمک می‌گیرند. در این طرحواره‌ها دو چیز در نظر گرفته می‌شود: مسیرپیما<sup>۱</sup> (پدیده‌ای که در یک خط مسیر قرار می‌گیرد) و زمینه ثابت<sup>۲</sup> (حدودی معین که ممکن است مسیرپیما داخل آن باشد یا نباشد). مسیرپیما ممکن است حالات گوناگونی داشته باشد؛ در حال حرکت یا سکون باشد. همه این حالات گوناگون به معنای واژه مورد نظر در جمله بستگی دارد. مسیرپیما را با Tr و زمینه ثابت را با Lm نشان می‌دهیم. ضمناً تایلر و ایوانز (Tyler & Evans, 2003) مجموعه‌ای از معیارها را برای

<sup>1</sup> trajectory

<sup>2</sup> landmark

تشخیص معنای اولیه حرف اضافه over ارائه می‌دهند که نگارنده در تعیین معنای اصلی «پیش-» از این دو معیار استفاده خواهد کرد. این معیارها عبارتند از: الف) اولین معنای تأییدشده: با در نظر گرفتن ماهیت ثابت و پایدار از مفهوم‌سازی، روابط مکانی در یک زبان معنایی به عنوان معنای اولیه انتخاب می‌شود که به لحاظ تاریخی اولین معناست. شواهد تاریخی بیانگر آنند که اولین معنای تأییدشده به ترکیب‌بندی مکانی بین نقطه ثابت و نقطه متحرک مربوط می‌شود. ب) رخداد غالب در شبکه معنایی: منظور از رخداد غالب در شبکه معنایی، تعداد بسامد حضور یک مفهوم در یک شبکه معنایی می‌باشد.

### ۳.۳. طرح‌وارگی<sup>۱</sup>

زبان‌شناسی شناختی برای تحلیل فرایند واژه‌سازی از طرح‌واره استفاده نموده است. در اینجا طرح‌واره را از دیدگاه لانگاکر و لیکاف ارائه می‌دهیم. از نظر لانگاکر (Langacker, 1987: 132) استخراج طرح‌واره به معنای توانایی در عمومیت<sup>۲</sup> بخشیدن است و آن را یکی از اصلی‌ترین توانایی‌های شناختی نوع بشر قلمداد می‌کند. طرح‌واره مستلزم تشخیص عمومیت‌های اصلی و حذف جزئیات بی‌اهمیت‌تر است که ممکن است از یک مفهوم یا تجربه شناختی تا دیگر تجارب و مفاهیم شناختی متفاوت باشد. این توانایی می‌تواند در هر حیطه یا تلفیقی از حیطه‌های شناختی قابل استفاده باشد. به نظر لیکاف (Lakoff, 1987: 267-268)، طرح‌واره که به آن طرح‌واره تصویری<sup>۳</sup> می‌گویند، ساخت‌های نسبتاً ساده‌ای هستند که دائماً در تجارب بدنی روزمره مان تکرار می‌شوند. ظروف، مسیرها<sup>۴</sup>، پیوندها<sup>۵</sup>، نیروها<sup>۶</sup>، تعادل<sup>۷</sup> و در جهت‌گیری‌ها<sup>۸</sup> و روابط: بالا-پایین<sup>۹</sup>، جلو-عقب<sup>۱۰</sup>، جزء-کل<sup>۱۱</sup>، مرکز-حاشیه<sup>۱۲</sup>؛ این‌ها ساختارهایی هستند که معنای مستقیم دارند، چون این ساختارها

<sup>1</sup> schematicity

<sup>2</sup> generalize

<sup>3</sup> image schema

<sup>4</sup> paths

<sup>5</sup> links

<sup>6</sup> forces

<sup>7</sup> balance

<sup>8</sup> orientations

<sup>9</sup> up-down

<sup>10</sup> front-back

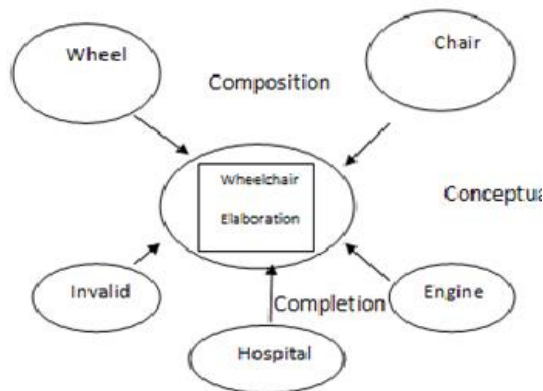
<sup>11</sup> part-whole

<sup>12</sup> center-periphery

به دلیل ماهیت بدنی و شیوه کارکردی شان در محیط اطرافمان، به طور مستقیم و مکرر تجربه می شوند.

### ۳. ۴. ادغام مفهومی

اکثر فرایندهای واژه سازی مستلزم ترکیب معنایی یا امتزاج است و این خود شرایط لازم را برای تحلیلی مبتنی بر ادغام مفهومی که فوکونیه و ترنر (Turner & Fauconnier, 2002: 48-49) پیشنهاد نموده اند، فراهم می کند. نظر بر این است در حالی که دو فضای ورودی، محتوای مفهومی دو جزء را منعکس می کنند، فضای ادغامی ساختار ترکیبی را نشان می دهد که در دو فضای مجزا نخواهد بود. فوکونیه فرایند ادغام را مستلزم سه نوع فرایند مفهومی می داند: ترکیب<sup>۱</sup>، تکمیل<sup>۲</sup> و تدقیق<sup>۳</sup>. مثلاً در مورد واژه مرکب wheelchair به تصویر زیر توجه کنید: فرایند ترکیب به ویژگی های فرافکننده شده از دو فضای ورودی مربوط می شود؛ مرحله تکمیل یعنی افزودن دانش پس زمینه که در اینجا با مفاهیم hospital, engine, invalid نشان داده شده است و این خود موجب پیدایش یک ساختار مفهومی جدید می گردد که توسط مربعی در فضای ادغامی نشان داده شده است. در نهایت مرحله تدقیق، آزمونی برای تصحیح و تثبیت محتوای مفهومی فضای ادغامی می باشد.



شکل ۱: فرایند ترکیب به صورت ادغام مفهومی

<sup>1</sup> composition

<sup>2</sup> completion

<sup>3</sup> elaboration

### ۳.۵. رویدادهای حرکتی

تالمی (Talmy, 1985 & Talmy, 2000 a & b) بحثی دربارهٔ تجزیه و تحلیل ساخت رویدادی افعال حرکتی مطرح می‌کند. او معتقد است هر رویداد حرکتی از دو عنصر اصلی شیوه (سازهٔ دارای محتوی) و مسیر (جهت) تشکیل شده است و زبان‌های دنیا براساس این که مشخصاً در کدام بخش هستهٔ طرحواره‌ای -روی فعل یا روی یک قمر- گره رویدادی خود را بیان می‌کنند، از نظر رده‌شناختی به دو مقوله تقسیم می‌شوند: فعل-قالب<sup>۱</sup> و قمر-قالب<sup>۲</sup> (Talmy, 2000 b: 217-219). گفتنی است اسلوبین<sup>۳</sup> در مقالهٔ خود، دستهٔ سومی را نیز به این تقسیم‌بندی دو گانهٔ تالمی افزوده است: زبان هم-قالب<sup>۴</sup>: مسیر و روش در این نوع زبان با صورت‌های دستوری هم‌ارز بیان می‌شود. منظور اسلوبین از صورت‌های یا عوامل هم‌ارز، عواملی هستند که از نظر صورت زبانی و همچنین قدرت و اهمیت، برابر و هم‌ارز هستند (Slobin, 2004: 228). در این نوع از زبان‌ها، انواع ساختارهای موجود با توجه به نوع زبان عبارتند از: الف) فعل بیانگر شیوه+فعل بیانگر مسیر: زبان‌هایی که دارای افعال ترتیبی<sup>۵</sup> هستند. در این نوع ساختار، دو فعل که دارای وزن معنایی یکسان هستند، شیوه و مسیر را بیان می‌کنند. ب) فعل بیانگر مسیر+شیوه: زبان‌هایی که شیوه و مسیر در یک فعل، با هم بیان می‌شوند یا زبان‌هایی که دارای افعال دو قسمتی هستند. ج) پیش فعل بیانگر شیوه+پیش فعل بیانگر مسیر+فعل: زبان‌هایی که در آنها عنصری مانند یک وند، شیوه و مسیر را قبل از فعل بیان می‌کند. قالب در این دسته‌بندی‌ها به مفاهیمی مانند مسیر، نمود و ... اشاره دارد که رویداد فعلی را شکل می‌دهند یا آن را محدود می‌کنند.

### ۳.۶. دینامیک نیرو

طبق نظر تالمی (Talmy, 2000b: 24) معناشناسی شناختی، مطالعهٔ شیوهٔ سازماندهی محتوای مفهومی زبان است. از این رو وی (Ibid: 21) پنج نظام طرحواره‌ای برای زبان‌های مختلف طبق مجموعه مفاهیم شاخص دستوری که شکل دهندهٔ نظام ساخت مفهومی زبان

<sup>1</sup> verb-frame

<sup>2</sup> satellite-frame

<sup>3</sup> Slobin

<sup>4</sup> equipollently-framed language

<sup>5</sup> serial verbs

است، ارائه داده است: ساختار ترکیب‌بندی<sup>۱</sup>، مکان نقطه نظر<sup>۲</sup>، توزیع توجه<sup>۳</sup>، دینامیک نیرو و حالت شناختی<sup>۴</sup>. در این بخش نظرات تالمی را تنها در مورد دینامیک نیرو مطرح خواهیم کرد. در واقع تالمی نظام طرحواره‌ای دینامیک نیرو را نخستین بار به‌عنوان یک مقوله معنایی اصلی در حیطه نیروی فیزیکی و به‌طور خاص به‌عنوان تعمیمی برای مفهوم زبانی سببی ارائه داد (Talmy, 1981, 1985, 2000a: 470-409). الگوی دینامیک نیرو که زیربنای همه الگوهای پیچیده‌تر دینامیک نیرو است، تقابل وضعیت دو نیرو است (Talmy, 2000a: 413). در زبان به دو شرکت‌کننده در صحنه واقعی، دو نقش معنایی متفاوت اعطا می‌شود: اولین شرکت‌کننده، آگونیست<sup>۵</sup>، شرکت‌کننده‌ای است که در کانون توجه می‌باشد زیرا مسئله اصلی در این تعامل این است که آیا آگونیست می‌تواند نیروی خود را بروز دهد یا خیر؛ دومین شرکت‌کننده، آنتاگونیست<sup>۶</sup>، به تأثیری که بر آگونیست می‌گذارد مربوط می‌شود، به عبارت دیگر، بر نیروی آگونیست غلبه می‌کند یا خیر. زبان ماهیت‌هایی را نشان می‌دهد که دارای نیروی ذاتی هستند: آنها یا ذاتاً تمایل به حرکت دارند یا تمایل به ماندن.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

در بررسی معنایی وند «پیش-» در ابتدا معانی مختلف این وند را در اتصال با مقولات دستوری مختلف، از فرهنگ سخن استخراج نموده که مجموعاً ۶۳ مشتق در این راستا جمع‌آوری شد. آن‌گاه برای مشتقات موجود جملات شاهدهی را از فرهنگ سخن و پایگاه داده‌های زبان فارسی آورده و مشتق مورد نظر در بافت جمله مورد بررسی قرار گرفت که رابطه معنایی مشتق مزبور با دیگر عناصر موجود در جمله تصریح شود. تحلیل‌های معنایی در بخش (۴.۱) با توضیحات مبسوط ارائه شده است.

<sup>1</sup> configurational structure

<sup>2</sup> location of perspective point

<sup>3</sup> distribution of attention

<sup>4</sup> cognitive state

<sup>5</sup> agonist

<sup>6</sup> antagonist

#### ۴. ۱. تحلیل معنایی «پیش-»

از تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، دو خوشه معنایی از بین مفاهیم مختلف وند «پیش-» تشخیص داده شده است: ترتیب زمانی؛ ترتیب مکانی، که مفهوم جهت حرکت رو به جلو زیر مجموعه مفهوم مکانی است. شایسته است اشاره گردد که در بیان ترتیب‌های زمانی و مکانی دو رخداد یا پدیده از حروف انگلیسی بزرگ یا کوچک استفاده شده است. اگر دو رخداد از یک نوع و یک مقوله باشند، آن‌گاه برای یکی از آنها یک حرف انگلیسی بزرگ مثل A می‌آید و برای دیگری، با افزودن پریم A' نشان می‌دهیم که این دو از یک نوع هستند و تنها تقدم و تأخر بر آنها حاکم است. اما وقتی دو رویداد از یک مقوله و نوع نباشند، از دو حرف انگلیسی بزرگ و متمایز مثل A و B استفاده می‌شود. در مواردی هم که می‌خواهیم رابطه کل به جزء را نشان دهیم، از یک حرف بزرگ مثل A و یک حرف کوچک a که جزئی از A است، استفاده می‌کنیم.

#### ۴. ۱. ۱. ترتیب زمانی

در یک بافت، ممکن است دو کنش داشته باشیم که از نقطه نظر زمان رخداد، یکی بر دیگری تقدم داشته باشد که این ترتیب رخداد را می‌توان با تکوازهایی مانند پیش- مفهوم‌سازی کرد.

#### ۴. ۱. ۱. ۱. تقدم زمانی

وقتی دو یا چند پدیده یا رویداد با فاصله زمانی خاصی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، یکی از آنها زودتر از دیگری رخ می‌دهد که این تقدم رخدادی با افزودن پیش‌وند «پیش-» به پایه کلمه مورد نظر نشان داده می‌شود. ضمناً برخی از این پدیده‌ها یا رویدادها ممکن است همه از یک نوع و مقوله باشند و برخی دیگر شباهت چندانی با هم نداشته باشند. در بخش‌های پیش‌رو با جزئیات بیشتر به موارد مورد نظر پرداخته می‌شود.

## الف) رخداد A قبل از B

پیش‌برگ ← قبل از دریافت اعتبار ← پیش‌پرداخت ← قبل از دریافت خدمات یا کالا

پیش‌خرید ← قبل از توزیع کالا

(۱) فرهاد یک دستگاه اتومبیل از ایران خودرو پیش‌خرید کرده است.

پیش‌فروش ← قبل از آماده شدن کالا

(۲) پیش‌فروش آپارتمان‌ها شروع شد.

کلیه مشتقات فوق چه پدیده‌ها و کنش‌های A و چه B همگی در حیطه معنایی فعالیت‌های اقتصادی قرار می‌گیرند، اما پدیده یا کنش A شبیه به پدیده یا کنش B نیست علاوه‌براین بین A و B فاصله زمانی وجود دارد و A زودتر از B انجام گرفته است و بر آن تقدم زمانی دارد.

پیش‌ساخته ← قبل از به کارگیری؛ «پیش‌ساخته» چیزی است که قبلاً در جایی و زمانی خاص و توسط عاملی ساخته شده است برای این که در جایی و زمانی دیگر به کار رود؛ مانند: دیوار پیش‌ساخته، گچ‌بری پیش‌ساخته. بنابراین ایجاد این ماهیت‌ها، قبل از زمان استفاده از آنها رخ داده و تمام شده است.

پیش‌گفته ← قبل از نقل قول دوباره؛ «پیش‌گفته» نیز به مانند «پیش‌ساخته»، کلامی است که در مکان و زمانی خاص و توسط شخصی بیان شده و ممکن است بعدها تنها به-عنوان نقل قول، آن کلام تکرار شود؛ مانند نمونه (۳):

(۳) در بحث‌های پیش‌گفته یادآور شدیم که...

در مشتقات «پیش‌آگهی»، پیش‌اندیشی، پیش‌گویی، پیش‌بینی، پیش‌داوری»، فرد از قبل در مورد مسائلی، به ترتیب اطلاع می‌دهد، می‌اندیشد، می‌گوید، می‌بیند (استعاری) و قضاوت می‌کند. این مشتقات در نمونه‌های زیر به کار رفته است:

(۴) سرطان ریه پیش‌آگهی بدی دارد.

(۵) ای پسر اندیشه را مقدم گفتار دار تا بر گفته پشیمان نشوی که پیش‌اندیشی دوم کفایت است.

۶) خیلی‌ها ادعای پیش‌گویی دارند، اما آینده صحت و سقم ادعای آنها را ثابت می‌کند.

۷) پیش‌بینی‌ها در مورد نتیجه مسابقه درست درنیامد.

۸) بهتر است درباره این مسئله از پیش‌داوری پرهیز کنیم.

نگارنده از دو شکل متفاوت برای نشان دادن پدیده‌های A و B استفاده کرده است تا عدم تشابه این دو نمایان‌تر باشد. شکل (۲) گویای این مطلب است که بین این دو پدیده ترتیب زمانی وجود دارد و یکی بر دیگری از نظر زمان رخداد تقدم دارد، یعنی A بر B متقدم است.



شکل ۲: تقدم زمانی A بر B

### ب) رخداد A قبل از A'

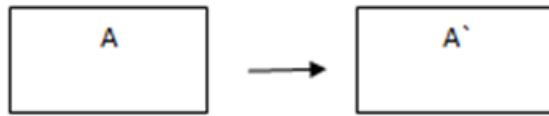
در مشتقات جدول (۱) رخداد برخی پدیده‌ها از نظر مناسبات اجتماعی ممکن است الزامی باشد و برخی خیر. به‌عنوان نمونه ممکن است در مراسمی خاص، پیش‌غذا قبل از غذای اصلی تناول شود اما در مهمانی‌های خودمانی چنین چیزی مدنظر نباشد؛ مشتقات «پیش‌پرده، پیش‌واقع، پیش‌قرارداد، پیش‌نویس، پیش‌گفتار» نیز چنین ویژگی دارند یعنی رخداد آنها الزامی نیست مثلاً ممکن است قراردادی نوشته شود بدون آن که قبل از آن پیش‌قراردادی صورت گیرد. در مورد «پیش‌درد» نمی‌توان گفت رخداد پیش‌درد قبل از درد اصلی (درد زایمان) مطمئناً اتفاق می‌افتد یا خیر چرا که این یک ویژگی فیزیولوژیکی و فردی و طبیعی است و در همه افراد ممکن است ایجاد نشود. اما در مورد «پیش‌دبستانی، پیش‌دانشگاهی، پیش‌امضا، پیش‌نیاز» از نظر قوانین اجتماعی وضع شده، حتماً باید فرد مرحله A را طی کند تا بتواند به مرحله A' برسد در غیر این صورت فرایند تغییر (تغییر پدیده از مرحله‌ای به مرحله دیگر) متوقف می‌شود. در واقع رخداد پدیده A مقدمه‌ای **ضروری** برای رخداد پدیده A' است. لازم به ذکر است که وجه اشتراک همه مشتقات فوق‌الذکر این است که A مقدمه‌ای برای A' محسوب می‌شود. به سخن دیگر اگر قرار باشد که هر دو پدیده رخ دهند، ابتدا پدیده A باید رخ دهد و پس از آن پدیده A' اجرا می‌شود.



**جدول ۱: نمونه مشتقات پیش -**

پیش درآمد، قبل از قطعه موسیقی اصلی	پیش درد، قبل از درد اصلی
پیش واقعه، قبل از اجرای تعزیه	پیش غذا، قبل از غذای اصلی
پیش پرده، قبل از نمایش	پیش قرارداد، قبل از قرارداد اصلی
پیش دبستانی، قبل از دبستان	پیش نویس، قبل از نوشته اصلی
پیش دانشگاهی، قبل از دانشگاه	پیش گفتار، قبل از گفتار اصلی
پیش امضا، قبل از امضای اصلی	پیش نیاز، قبل از نیاز اصلی

در موارد اشاره شده، با حداقل دو پدیده یا کنش روبه‌رو هستیم که یکی از آنها نسبت به دیگری، از نظر زمانی زودتر اتفاق می‌افتد اما تفاوتی که این مشتقات با مشتقات بخش (۱) دارند این است که هر دو مورد  $A$  و  $A'$  از یک نوع و مقوله هستند و به هم شبیه‌اند از این رو برای نشان دادن رابطه زمانی و تشابه میان آنها، نگارنده از دو شکل یکسان استفاده کرده است:



شکل ۳: رخداد  $A$  قبل از  $A'$

**پ) رخداد  $a$  قبل از  $A$**

- پیش خور ← حقوق کامل
- پیش قسط ← کلیه اقساط
- پیش کرایه ← کرایه کامل
- پیش بها ← بهای کامل

از صورت‌های اشتقاقی «پیش بها، پیش قسط، پیش کرایه، پیش خور» چنین برمی‌آید که این مشتقات بخش یا بخش‌هایی از کل بها، قسط، کرایه و حقوق هستند یا به عبارت دیگر  $a$  بخشی از  $A$  است که  $a$  از نظر زمانی زودتر از  $A$  انجام شده است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

(۹) مجبور شدم مبلغی پیش بها پرداخت کنم تا لباس را برایم نگه دارد. همان‌طور که از جمله فوق برمی‌آید، کل مبلغ پرداخت نشده است بلکه مقداری از مبلغ مورد نظر داده شده، پیش از این که تحویل لباس انجام گیرد.

- ۱۰) یخچال را قسطی خریدم، پنجاه هزار تومان پیش قسط دادم. این نمونه نیز بیانگر این است که مبلغ پرداختی بخش بندی شده و تنها بخش اول (قسط) از آن در ابتدا پرداخت شده که این بخش، جزئی از کل مبلغ است.
- ۱۱) حقوق بگیران همیشه پیش خورند. در مورد صورت اشتقاقی «پیش خور» هم بخش یا بخش‌هایی از حقوق قبل از پرداخت حقوق مصرف می‌شود.
- بدین ترتیب اگر این کل A را به چند قسمت تقسیم کنیم، بخشی از آن بخش‌های تقسیم شده یعنی a، زودتر از بخش‌های دیگر تجلی می‌یابند.



شکل ۴: رخداد a قبل از A

### ت) تقدم زمانی فردی بر فرد یا افراد دیگر

- ۱۲) دلاوران پیش جنگ دلیرانه پیش آمدند.
- ۱۳) او از مکاتبه کوه‌یار با حسن و پیش دستی حسن خبر نداشت.
- ۱۴) پیش مرگان و عشایر غیور ضربات کوبنده‌ای بر دشمن متجاوز وارد آوردند.
- ۱۵) درویشان واقعی پیش سلام بودند.
- در صورت‌های اشتقاقی مشخص شده، افرادی که چنین ویژگی دارا هستند، از نقطه نظر جنگیدن، یاری کردن، کشته شدن و سلام کردن زودتر از سایرین اقدام می‌کنند.

### ۴. ۱. ۲. ترتیب مکانی

۴. ۱. ۲. ۱. قرار گرفتن چیزی در جلوی فضایی که در پایه به آن اشاره شده مشتقاتی مانند پیش بخاری، پیش ایوان، پیش خانه، پیش طاق، پیش خان، پیش سینه، پیش کام، پیش وند، پیش لنگ، پیش دامن، پیش فنگ، پیش کاسه، مفهوم مکانی دارند.
- ۱۶) یک مجسمه روی پیش بخاری گذاشته بودند.

(۱۷) تازه وارد روی پیش خان حجره نشست.

(۱۸) پیش سینه او توسط دو قلاب بسته می شود.

در این موارد با نوعی تصویرگونگی روبه رو هستیم بدین معنا که با اضافه شدن پیشوند «پیش-» به پایه، چیزی به مفهوم پایه اضافه می شود و در عین حال در واقعیت نیز چیزی به آن ماهیت اشاره شده در پایه نیز اضافه شده است. علاوه بر این با توجه به اصل ترکیب، از عناصر سازنده مشتقات فوق می توان به سهولت به معنای کل واژه دست یافت و این خود نشان دهنده شفافیت معنایی واژه به دست آمده است.

#### ۴. ۱. ۲. ۲. قرار گرفتن A قبل از A'

از نظر ترتیب جا، در نمونه هایی مانند پیش شماره: پیش شماره تلفن، A باید قبل از A' قرار بگیرد. بدین معنا که دو فضا برای قرار دادن شماره و پیش شماره وجود دارد که پیش شماره در اولین فضا قرار می گیرد و دومی در فضای بعدی و از آنجا که تقدم فضایی منجر به تقدم زمانی نیز می شود لذا با قرار گرفتن پیش شماره در جای نخست، از لحاظ زمانی نیز پیش شماره نسبت به شماره اصلی در الویت است. ضمناً این ترتیب قراردادی و از قبل تعریف شده است.



شکل ۵: قرار گرفتن A قبل از A'

#### ۴. ۱. ۲. ۳. اهمیت و برجستگی

به مثال هایی که برای مشتقات «پیشاهنگ، پیشخدمت، پیش قراول، پیش کار، پیش کسوت، پیش نماز» آورده شده، توجه کنید:

(۱۹) هنوز پیشاهنگ کاروان به نواقلی نرسیده بود که مورد تهاجم قرار گرفت.

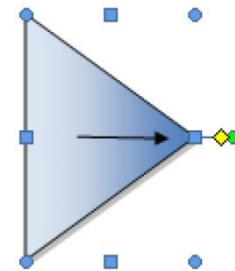
(۲۰) اینجا هتل نیست که دائماً پیش خدمت عوض کنیم.

(۲۱) امور مالی خود را در فرانسه به یکی از دوستان وا گذاشت که اداره کند و در واقع پیش کار او باشد.

(۲۲) من به‌عنوان اولین فارغ‌التحصیل مدرسه سیاسی و پیش‌کسوت قوم، دعوت نامه‌ها را امضا کردم.

(۲۳) پیش‌نماز مسجد بلند قامت بود.

در صورت‌های اشتقاقی مذکور، فردی از بین گروهی از افراد که همگی نقش و عملکرد یکسانی دارند، از نظر جایگاه اجتماعی جلوتر است. در سلسله‌مراتب اجتماعی این افراد نسبت به افراد آن مجموعه در جایگاه بالاتری قرار می‌گیرند. همچنین همگی این افراد در یک صف‌بندی واقعی جلوتر از دیگران می‌ایستند. مثلاً شخص پیش‌نماز در صفوف نماز جلوتر از بقیه می‌ایستد. در مورد مشتق «پیش‌خدمت» ذکر این توضیح ضروری است که «پیش‌خدمت» مترادف «پیش‌کار» است که در دوره سلطنت قاجار پیش‌خدمتی خود یکی از مناصب درباری به حساب می‌آمد. پیش‌خدمت‌ها مهم‌تر از فراش‌خلوتان بودند و به‌ندرت پیش‌می‌آمد که برخی از فراش‌خلوت‌ها، به‌علت ویژگی‌های شخصی، برخلاف معمول، محترم‌تر از پیش‌خدمت‌ها باشند. در این دوره پیش‌خدمتی اعتبار فزاینده‌ای یافت، چنان‌که به‌ویژه پیش‌خدمتان شاه که از آنان غالباً با عناوینی چون «پیش‌خدمت حضور»، «پیش‌خدمت خاصه» و «پیش‌خدمت همایونی» یاد می‌شده، چندان اهمیت یافتند که رسیدن به مرتبه آنان غایت آرزوی برخی از شاهزادگان نیز بود. علاوه بر موارد مطرح‌شده در پاراگراف پیشین، کلمه اشتقاقی پیش‌زمینه هم وجود دارد که به‌دلیل داشتن معنای مهم و برجسته بودن در این بخش لحاظ گردیده است.



شکل ۶: اهمیت و برجستگی

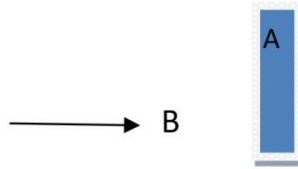
#### ۴. ۱. ۲. ۴. قرار گرفتن مانع A در قسمت جلوی B

نمونه‌های «پیش‌گیری، پیش‌بند، پیش‌بندی» را در نظر داشته باشید.

۲۴) اقدامات شهرداری باعث پیش‌گیری از حوادثی مثل آتش‌سوزی و سیل شده است.

۲۵) وظیفه آدمی برای حفظ خود تهیه اسباب پیش‌بندی حوادث است.

ستاک‌های «بند» و «گیر» هر دو مفهوم انسداد با خود به‌همراه دارند از سویی دیگر، با افزوده شدن وند «پیش-» به این ستاک‌ها، محل دقیق انسداد مشخص می‌شود که قسمت جلو می‌باشد.



شکل ۷: قرار گرفتن مانع A در قسمت جلوی B

#### ۴. ۱. ۲. ۵. جهت حرکت: رو به جلو

در صورت‌های اشتقاقی این بخش، وند «پیش-» با افزوده شدن به ستاک‌های لازم یا متعدی، معانی جدیدی ایجاد می‌کنند. ستاک‌های مزبور افعال حرکتی هستند که یا ذاتاً دارای ویژگی حرکت هستند یا این که عاملی بیرونی مسبب ایجاد حرکت می‌شود. در مسیر این حرکت که رو به جلو است ممکن است فعل مورد نظر بدون هیچ مانعی حرکت کند یا با مانعی برخورد کند. لازم است اشاره‌ای داشته باشیم که وند «پیش-» در اینجا قمر محسوب می‌شود که جهت حرکت در مسیر را نشان می‌دهد.

#### الف) حرکت بدون مانع

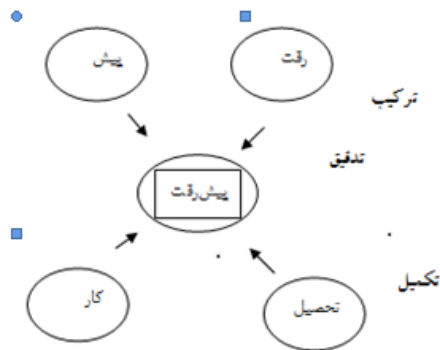
«پیشامد، پیش‌آمده، پیش‌تاز، پیش‌رفت، پیش‌روی، پیش‌افتاد» مشتقات مفهوم حرکت بدون مانع می‌باشند که در مثال‌های زیر به تبیین آنها می‌پردازیم.

۲۶) ناظم مدرسه با سرکچل و شکم پیش‌آمده به او نزدیک شد.

۲۷) پیش‌رفت کویر در جلگه باعث نابودی زمین‌های کشاورزی می‌شود.

۲۸) وقتی که شما در تمدن پیش‌رو بودید، لغاتی در زبان شما وجود داشت که در زبان‌های دیگر نبود.

ستاک‌های «رفت، رو، آمد، تاختن» جزو افعال مسیرنما هستند و با افزوده شدن پیش‌وند فعلی «پیش-» به این ستاک‌ها، جهت حرکت که رو به جلو و در مسیری افقی است، نیز به مفهوم افعال مذکور اضافه می‌شود. وند «پیش-» قمر فعل به حساب می‌آید. لازم به ذکر است این افعال ذاتاً دارای ویژگی حرکت هستند؛ به دیگر سخن جزو افعال حرکتی در زبان فارسی هستند. ضمناً فعل تاختن شیوه حرکت را نیز نشان می‌دهد که مفهوم سرعت را در حرکت با خود دارد. با طر حواره ادغامی به خوبی رابطه میان وند و ستاک را می‌تواند نشان دهد. ابتدا ویژگی‌های دو فضای درون‌داد فرافکنده می‌شوند، سپس دانش دایره‌المعارفی اضافه می‌گردد (کار و تحصیل) و در مرحله آخر، مرحله تدقیق، فضای ادغامی تثبیت می‌شود.

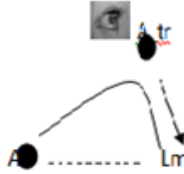


شکل ۸: ادغام مفهومی «پیش‌رفت»

۲۹) ایشان را تقلیل طعام کردن ... و روزه داشتن بهتر باشد و صلاح دل باکمال‌تر و پیش‌افتاد کار آخرت بیشتر.

از جمله (۲۹) استنباط می‌شود «تقلیل طعام کردن و روزه داشتن» در ابتدا انجام می‌گیرند سپس آنها را برای وقت دیگر مورد استفاده قرار می‌دهند که این وقت در پیش‌روی فرد قرار دارد و آن کارها را برای بهره‌برداری در آینده می‌فرستند. همان‌طور که شکل زیر نشان می‌دهد، فرد کارهای A را برای زمانی جلوتر می‌فرستد و این خط منحنی دال بر پرتاب چیزی به طرف جلو و رسیدن آن در نقطه‌ای در آینده است. علت این که مسیر به این شکل نشان داده شده، این است که کنش افتادن همواره پرتاب از جایی بلند به طرف پایین است و نوعی حرکت از آن استنباط می‌شود هر چند حرکت واقعی نیست و استعاری

است چون مسیری وجود دارد که در آن حرکت رو به جلو، طرحواره آینده را نشان می‌دهد که همان دنیای آخرت پس از مرگ است و حتی مضمون انباشتگی نیز از این صورت کلمه استنباط می‌شود چون وقتی چند چیز را در مسیری یکسان پرتاب می‌کنیم که مقصد فرود همه آنها یکی است، همه آن پدیده‌های پرتابی، روی هم انباشته می‌شوند.



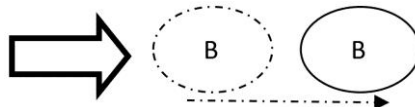
شکل ۹: طرحواره فعل حرکتی پیش‌افتاد

### ب) عامل A مسبب حرکت رو جلو در B

حرکت در کلمات «پیش‌ران، پیش‌رانه، پیش‌برد، پیش‌کشی» ویژگی ذاتی‌شان نیست بلکه عاملی بیرونی باید بر پدیده مورد نظر نیرو وارد کند تا آن پدیده به حرکت درآید. وند «پیش-» نیز جهت رو به جلوی حرکت را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر نوعی نیروی فیزیکی باید به کنش‌پذیر وارد شود تا بتواند حرکت کند. لازم به یادآوری است که این حرکت می‌تواند واقعی باشد یا غیر واقعی؛ مانند «پیش‌برد» در جمله (۳۰) حرکتی واقعی نیست اما عامل بستر رودخانه و حوالی آن باعث جلو رفتن کنش‌پذیر (کار) شده است.

(۳۰) بهترین مرکز برای پیش‌برد این کار، بستر رودخانه و حوالی آن بود.

(۳۱) طبعاً کلیه اعیان به حضور او به مبارک‌باد و تهیت می‌رفتند و پیش‌کش برای او می‌بردند.



شکل ۱۰: عامل A مسبب حرکت رو به جلو در B

### پ) حرکت رو به جلو از نقطه الف به نقطه ب و جای گرفتن در نقطه ب

در «پیش‌نشین و پیشنهاد» نشستن فعل لازم و نهادن فعل متعدی است، اما علت قرار دادن این دو در یک زیر بخش این است که هر دو فعل قبل از رسیدن به نقطه ب که در موضع

مقابل نقطه الف قرار دارد، حرکت نموده‌اند تا به مقصد یعنی نقطه ب برسند؛ این حرکت در مورد فعل نشستن مربوط به فاعل است و در فعل نهادن عاملی وجود دارد که چیزی را به حرکت درمی‌آورد (کنش‌پذیر). بدین ترتیب هر دو صورت اشتقاقی بعد از حرکت از یک نقطه خاص و رسیدن به نقطه‌ای دیگر، در مقابل هدف مورد نظر قرار می‌گیرند.

(۳۲) پروانه که نور شمع افروخت / چون پیش‌نشین شمع شد سوخت

(۳۳) به شما توصیه می‌کنم پیش‌نهاد مرا قبول کنید.

### (Lm)ب. → الف (Tr)

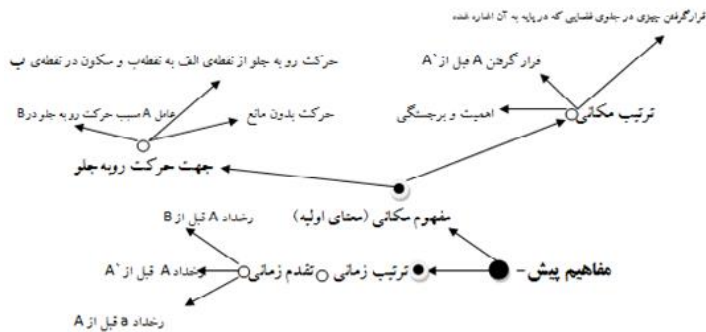
شکل ۱۱: حرکت رو به جلو از نقطه الف به نقطه ب

#### ۴. ۲. نتایج تحلیل داده‌ها

همان‌طور که از تحلیل معنایی وند پیش- در بخش (۴. ۱)، مشخص است، این وند دارای معنایی متنوعی است اما دو خوشه معنایی مرکزی وجود دارند که دیگر معانی از این دو گره معنایی منتج می‌شوند: ترتیب زمانی و ترتیب مکانی. از بین این دو معنی، یکی به‌عنوان معنای اصلی وند مذکور است. برای تشخیص این معنای اصلی از معیارهایی که تایلر و ایوانز (Evans and Tyler, 2003) پیشنهاد کرده‌اند، بهره می‌گیریم. اولین معیار در رابطه با شواهد تاریخی است که می‌توانند تأییدی بر معنای اولیه باشد. در فرهنگ لغت عمید برای واژه «پیش» این معنای موجود است: (اسم) [پهلوی: [piš] [piš], pat(i)š] [pēš, pat(i)š] ۱. [مقابل پس] جلو. ۲. (قید) قبل؛ سابق؛ در زمان گذشته. ۳. (حرف اضافه) نزد. در فرهنگ لغت دهخدا برای «پیش-» هشت معنی ارائه شده است که به جز دو معنا (برگ درخت خرما و خردمند) از هشت مورد، مابقی مفهوم مکانی دارند: دندان پیش، مقابل و بخش قدامی چیزی، کنار و ساحل، جلو و نزدیک؛ علاوه‌براین کلمه مزبور در کلماتی مانند آسیاب پیش، بیه پیش و بیه پس (نام دو منطقه در گیلان) به‌عنوان پس وند مکانی استفاده شده‌اند. هم چنین یکی از معانی «پیش»، ضمه می‌باشد که در فرهنگ دهخدا به‌عنوان یکی از سه حرکت حروف مطرح شده‌اند؛ دو حرکت دیگر زبر (فتح) و زیر (کسر) هستند. نظر نگارنده بر این است که با توجه به این که در تولید حرکت ضمه (ُ) حالت لب‌ها به‌طرف جلو کشیده می‌شود، پس می‌توان گفت این هم نوعی حرکت رو به جلو است و مفهوم مکانی دارد. اما در



داده‌های جمع آوری شده از فرهنگ لغت پهلوی، تعداد مشتقات «پیش-» که مفهوم زمان دارند، بیش از مشتقات مکانی می باشد: pēšdaxšak (پیش خبر)، pēšdāt (پیش آفریده)، pēšdād (پیش داد). طبق معیار اول در تعیین معنای اصلی، به عبارت دیگر کاربرد شواهد تاریخی جهت تعیین معنای اصلی یک صورت زبانی، و با توجه به مطالب پاراگراف‌های پیشین، با تسامح معنای مکانی (رو به جلو) معنای اصلی وند «پیش-» محسوب می شود. با توجه به معانی به دست آمده از تحلیل معنایی «پیش-» و معانی ارائه شده در فرهنگ سخن، در رابطه با معیار دوم، یعنی رخداد غالب در شبکه معنایی، از تعداد ۶۳ واژه تحلیل شده، ۳۴ مورد معنای مکانی دارند و مابقی مفهوم ترتیب زمانی که این دال بر غالب بودن مفهوم مکانی نسبت به مفهوم زمانی است. لازم است اشاره داشته باشیم که گره معنایی جهت حرکت رو به جلو نیز، مفهوم مکانی دارد چرا که جابه‌جایی از یک مکان به مکانی دیگر رخ می دهد. از این رو معنای اصلی وند «پیش-» مکانی است.



شکل ۱۲: شبکه شعاعی از معنای «پیش-»

## ۵. نتیجه گیری

در پایان به عنوان جمع بندی بحث حاضر و پاسخ به سؤال پژوهش که آیا وند «پیش-» دارای معنای متعددی است و اگر این گونه است این معنای چگونه به یکدیگر مرتبط می شوند، می توان بیان کرد که از منظر زبان شناسی شناختی و به طور خاص معناشناسی شناختی و براساس تحلیل داده‌های منتخب، مشخص شد که این وند جزو صورت‌های زبانی است که از ویژگی چندمعنایی برخوردار است. از بررسی ۶۳ مشتق حاصل از وندافزایی پیش وند «پیش-» به مقولات دستوری مختلف، دو معنا به دست آمد که هر کدام

از آنها نیز زیرمقولات مفهومی مختلفی داشتند. از بین این خوشه‌های معنایی، معنای مکانی به‌عنوان معنای اولیه، طبق معیارهای تایلر و ایوانز (Evans and Tyler: 2003) یعنی شواهد تاریخی و بسامد رخداد در شبکه‌ی شعاعی، معرفی شد که سایر معانی حول این معنای مرکزی قرار گرفتند. لازم به توضیح است که در نگاه اول گمان می‌رود معنای «جهت حرکت روبه جلو» معنایی مجزا باشد اما چون حرکت در مکان رخ می‌دهد، از این رو این مفهوم نیز در بخش تقدم مکانی قرار می‌گیرد. ضمناً در مواردی از جمله «پیش‌شماره» با درگیری تنگاتنگ مفهوم مکان و زمان مواجه بودیم که در این موارد با توجه به این که زمان مفهومی است انتزاعی و رخداد آن در مفهوم مکان اتفاق می‌افتد، از این رو تفکیک مفاهیم تقدم مکانی و زمانی در مشتقاتی از این دست چندان آسان نیست. برای بسط این پژوهش می‌توان مشتقات حاصل از افزودن این وند که در معادل‌سازی‌هایی که فرهنگستان زبان فارسی انجام داده است مورد بررسی قرار داد. لازم به ذکر است فرهنگستان زبان فارسی برای پیش‌وندهای *fore-*, *pre-*, *pro-*, *ante* از معادل فارسی «پیش-» استفاده کرده است.

## منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: انتشارات سخن.
- پایگاه داده‌های زبان فارسی. *pldb.ihcs.ac.ir*
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- عمید، حسن (۱۳۴۲). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گلفام، ارسلان و مهناز کربلایی صادق (۱۳۹۵). «نگاهی بر واژه‌های مرکب و مشتق مکان‌ساز در فارسی: رویکرد شناختی». *جستارهای زبانی*. دوره ۷. شماره ۳ (پیاپی ۳۱). مرداد و شهریور ۱۳۹۵. صص ۱۰۷-۱۲۷.
- معین، محمد (۱۳۸۲). *فرهنگ معین (یک جلدی)*. تهران: انتشارات زرین.
- Abrosimova, L. (2013). "Word-formation in the Context of Multi-disciplinary Cognitive Paradigm". *International Journal of Cognitive Research in Science, Engineering and Education*. vol 1. No. 1. pp. 1-6.

- Acovedo, E. S. (2003). "A Functional Interpretation of Locative Prefixes in English Language". *Journal of English Studies*. vol 4. pp. 197-222.
- Adams, V. (2001). *Complex Words in English*. Harlow: Longman.
- Amid, Hassan (1964). *Frahange Amid*. Amir-Kabir Publications: Tehran. [In Persian]
- Anvari, Hassan (2003). *Frahange* Bozroge Sokhan. Sokhan Publication: Tehran. [In Persian]
- Aronoff, M. (1976). *Word-formation in Generative Grammar*. Cambridge MA: MIT Press.
- Balazs, B. (2010). "Semantic Aspects of English Prefixation: A Cognitive Linguistic Account". *Jelen tanulmany megjelentese a TAMOP*. pp. 81-88. <[http://www.bdtf.hu/btk/Hatrsvok%20a%20BTK%20ves%20kiadvnya/HAT%C3%81RS%C3%81VOK%202011\\_12/Bal%C3%A1zs%20Bernadett%20Semantic%20aspects%20of%20English%20prefixation.pdf](http://www.bdtf.hu/btk/Hatrsvok%20a%20BTK%20ves%20kiadvnya/HAT%C3%81RS%C3%81VOK%202011_12/Bal%C3%A1zs%20Bernadett%20Semantic%20aspects%20of%20English%20prefixation.pdf)>
- Brugman, C. & G. Lakoff (1988). "Cognitive Topology and Lexical Networks". *Lexical Ambiguity Resolution: Perspective from Psycholinguistics, Neuropsychology, and Artificial Intelligence*. Steven L. Small, Garrison W. Cottrell & Michael K. Tanehaus (eds.). San Mateo. CA: Morgan Kaufmann. pp. 477-508.
- Chrotensen, J. H. (2011). *The Prefix po- and Aspect in Russian and Polish: A Cognitive Grammar Account*. Degree of Doctor of Philosophy. <[www.theses.com](http://www.theses.com)>
- Data Base of Persian Language. [pldb.ihcs.ac.ir](http://pldb.ihcs.ac.ir).
- Dehkhoda, Ali-Akbar (1995). *Loghtanameh Dehkhoda*. Tehran University: Tehran. [In Persian]
- Evans, V. & A. Tyler (2001). "Reconsidering Prepositional Polysemy Networks: The Case of *Over*". *Language*. 77. 4. pp. 724-765.
- Fauconnier, G. (1985). *Mental Spaces: Aspects of Meaning Construction*. Cambridge: Cambridge University.
- Fauconnier, G. (1997). *Mappings in Thought and Language*. New York: Combridge University Press.
- Fauconnier, G. & M. Turner (2002). *The Way we Think: Conceptual Blending and the Mind`s Hidden Complexities*. New York: Basic Books.

- Fillmore, Ch. (1977) "Scenes-and-frames Semantics". *Linguistic Structures Processing*. Antonio Zampollo (ed.). North Holland. pp. 55-81.
- Fillmore, Ch. (1982). "Frame Semantics". *Linguistics in the Morning Calm*. Hanshin, Seoul. Linguistics Society of Korea. pp. 111-138.
- Golfam, Arsalan & Mahnaz Karbalaee Sadegh (2016). "Remarks on Compounds and Derivatives of Location in Persian: A Cognitive Morphology Approach". *Language Related Research*. vol.7. No.3. (Tome 31). pp. 107-127. [In Persian]
- Hamawand, Z. (2009). *The Semantics of English Negative Prefixes*. Equinox published Ltd.
- Hamawand, Z. (2011a). *Morphology in English, Word formation Cognitive Grammar*. New York: Continuum International Groups.
- Hamawand, Z. (2011b). "Prefixes of Degree in English: A Cognitive Corpus Analysis". *Open Journal of Modern Linguistics*. vol. 1. No. 2. pp.13-23.
- Hamawand, Z. (2013). "Prefixes of Spatiality in English: A Study in Cognitive Linguistics". *Theory and Practice in Language Studies*. vol. 3. pp. 736-747.
- Hartman, S. & A. Holzl (2014). "Prefixation and Force Dynamics: A Corpus-based Study in German Prefix Constructions". 5th UK Cognitive Linguistics Conference. Lancaster University.  
<[www.lancaster.ac.uk/fass/events/uk-CLA5](http://www.lancaster.ac.uk/fass/events/uk-CLA5)>
- Janda, L. A. (2011). "Metonymy in Word Formation". *Cognitive Linguistics*. 22-2. pp. 359-392.
- Jensen, J. T. (1990). *Morphology*, Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1990). "The Invariance Hypothesis: Is Abstract Reason Based on Image Schemas". *Cognitive Linguistics*. 1. pp.39-74.
- Lakoff, G. & Zolt'an Kovecses (1987). "The Cognitive Model of Anger Inherent in American English". *Cultural Models in*

- Language and Thought*. Dorothy Holland & Naomi Quinn (eds.). Chicago: University of Chicago Press. pp. 195-221.
- Langacker, R. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar, Volume 1: Theoretical Prerequisites*. Stanford CA: Stanford University Press.
  - Langacker, R. (1988). "A View of Linguistic Semantics". *Topics in Cognitive Linguistics*. Brygida Rudzka-Ostyn (ed.). pp. 49-90.
  - Langacker, R. (1991). *Foundations of Cognitive Grammar, Volume 2: Descriptive Application*. Stanford CA: Stanford University Press.
  - Langacker, R. (1997). "Consistency, Dependency and Conceptual Grouping". *Cognitive Linguistics*. 8. pp. 1-32.
  - Lewandowsak, B. (2007). "Polysemy, Prototypes, and Radial Categories". *The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics*. Dirk Geeraerts & Hurbert Cuyckens (eds.). Oxford University Press: Oxford.
  - Marchand, H. (1969). *The Categories and Types of Present-day English Word-formation*. Beck: Munchen.
  - Matthews, P. H. (1974). *Morphology*. Cambridge University Press: Cambridge.
  - Melinger, A. (2011). Morphological Complexity in English Prefixed-words: An Experimental Investigation. Degree of Doctor of Philosophy, University of New York at Buffalo. <linguistic.buffalo.edu.>
  - Mettinger, A. (1994). "Un- Prefixation in English: Expectations, Formats, and Results". *Munsterches Logbuch der Linguistik*. pp. 13-17.
  - Mizoe, T. (2011). A Cognitive Semantic of s-prefixed Russian Loan Verbs from English and other Languages. Grade of Philosophy Doctor (PhD). Department de Langues et Linguistique, Universite Lvala: Quebec.
  - Moeen, Mohammad (2004). *Frahange Moeen (One-volume)*. Zarrin Publication: Tehran. [In Persian]
  - Panther, K. & L. Thornburg (2001). "A Conceptual Analysis of English -er Nominals". *Applied Cognitive Linguistics II: Language Pedagogy*. Martin Putz, Susanne Niemeier, and Rene Dirven (eds.). Berlin: Mouton de Gruyter. pp.149-200.

- Quirk, R., Sidney-Leech, Jan Geoffrey-Svartvik (1985). *A Comprehensive Grammar of the English Language*. Longman: London-New York.
- Saric, L. (2013). *The Verbal Prefixes na- in Croation: A Cognitive Linguistic Analysis*. Prihvaaen, ztnak 22.
- Slobin, D. I. (2004). "The Many Ways to Search for a Frog: Linguistic Typology and the Expression of Motion Events". *Relating Events in Narrative: vol. 2, Typological and Contextual Perspectives*. S. Strömquist & L. Verhoeven (eds.). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates. pp. 219- 257.
- Spencer, A. (2001). "Morphology". *The Handbook of Linguistics*. M. Aronoff & J. Rees-Miller (eds.). Malden, MA: Blackwell. pp. 213-237.
- Talmy, L. (2000a). *Toward a Cognitive Semantics*. Vol. I: *Concept Structuring Systems*. i-viii. 1- 565. Cambridge, MA: MIT Press
- Talmy, L. (2000b). *Toward a Cognitive Semantics: Typology and Process in Concept Structuring*. vol 2. Cambridge University Press: Cambridge.
- Talmy, L. (2007). "Lexical Typologies". *Language Typology and Syntactic Universals* (2nd Edition). T. Shopen (ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
- Taylor, J. R. (1998). "Syntactic Constructions as Prototype Categories". *The New Psychology of Language: Cognitive and Functional Approaches to Language Structure*. M. Tomasello (ed.). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum. pp. 177–202.
- Tchizmarova, I. K. (2006). "A Cognitive Linguistics Analysis of the Bulgarian Verbal Prefixes". Retrieved from: < <http://seelrc.org>>
- Tchizmarova, I. K. (2012). "A Cognitive Linguistics Analysis of the Bulgarian Verbal Prefixes". *Jezitoslovle*. pp. 219-260.
- Tyler, A. & V. Evans (2003). *The Semantics of English Prepositions: Spatial Scenes, Embodied Meaning and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press.